چهار صغری از قاعده «الفریضة لاتقبل الا بالیقین»

26:16

شاگرد: اگر بخواهیم بگوییم یک چیزی که محکمتر مقابل استصحاب باشد همان بحث نظام سنت و فریضه است. گوای یکی از قواعد فضای فریضه مانند «السنة لاتنقض الفریضة»، «لاتؤدّی بالشک» هم هست. لذا در دو رکعت اول چهار رکعتی اینطور میگویند. چون آن فریضه است.

استاد: ببینید یک نگاهی به قاعده اشتغال ای به این روایات هست که میخواهیم بین واجب بالفرض و واجب بالسنة فرق بگذاریم. الآن هم چهار موردش را میخواهم بخوانم. حال بعضی از آنها عین همین است. راجع به طواف که برای خود من هم عجیب بود. با اینکه علماء در ادله استصحاب هر چه محتمل بوده را آوردهاند، نمیدانم چرا روایتی که صریحاً امام علیهالسلام میفرمایند «یبنی علی یقینه» که در طواف فریضه شک میکند، اصلاً نیامده است. شاید تنها یک کتاب بود. میخواستم ببینم در کتب اصولی در ادله استصحاب ولو بهعنوان یک احتمالی این آمده ای نه؟ اما نیامده.

علی ای حال من چهار مورد را عرض میکنم. شما هم به آن اضافه کنید. خیلی نمود دارند. چون «الفریضة» هست، لذا لایؤدّی الا بالیقین. یکی وقت نماز است. در عروه و سائر کتب ببینید. برای مکلف جایز نیست که نماز را شروع کند الا بالعلم. الا بالیقین. ظن چه؟ سر ظن حرف است. ظن معتبر. ظن غیر معتبر که اصلاً. ظن معتبر هم باید مواردش را پیدا کنیم. این یک مورد است. در روایتش هم دارد که نماز را نخوان تا اینکه مطمئن شوی که زوال شد. «حتی تبیّن». بنابراین یک مورد قطع به دخول وقت است. «ان الفریضة لاتؤدّی بالظن»؛ نماز است باید یقین پیدا کنی که وجوبش آمده. حال که یقین داری بگو این نماز فریضه بر من است و میخواهم ادا کنم. خب الآن در اینجا میبینید که صبغه اضافهای بر استصحاب دارد. استصحاب عدم دخول وقت یک چیز است، اینکه چون فریضه هست و فریضه «لاتؤدی الا بالیقین» چیز دیگری است.

مورد دیگر در نماز است. چون آقای حلی فرموده بودند و در سائر کلمات هم آمده است، عرض میکنم. تنظیر مثل صوم به رکعتین اولتین است. در نمازهای رباعی و ثلاثی دو رکعتش هست که فرضاللّه است. دو رکعت بعدی فرض السنّة است. لذا در فرض اللّه چون لایؤدی الا بالیقین شما باید در رکعتین اولتین احراز یقین کنید. حتی تا آن جا جلو میرود که سرش رو مهر است و ذکر سجده را هم گفتهای ولی هنوز یک آن ِکوچک ماندهتا سر را بردارید، در این زمان شک کردید، میگویند چون هنوز سر از سجده برنداشتهای دو رکعت فریضه بالیقین تام نشده این شک مبطل است. باید سر از سجده دوم برداشته باشید، از دو رکعت فریضه در شده باشید، آن وقت که شک آمده با شما بحث میکنیم که در این شک باید چه کار کنید. و الا قبل از برداشتن سر اینطور نیست. چرا؟ چون رکعتین اولتین فرض اللّه است و فرض اللّه لایؤدّی الا بالیقین. باید یقین داشته

باشید. خب این برای خودش صبغه خاصی دارد.

سوم مانحن فیه است. دیدی که علماء بزرگ فرمودند که صوم هم به این صورت است. صوم لایؤدی الا بالیقین. «ایاک و التظنی و الشک، صم للرؤیة و افطر للرؤیة ». ممکن نیست که شما بخواهید صوم انجام بدهید. فرض الله است. فرض الله لایؤدی بالتظنی.

چهارم طواف فریضه است. اگر در طواف شک کنید چه کار میکنید؟ «یبنی علی الیقین»؛ یعنی علی الاقل. اما اگر طواف فرض بود به محض اینکه شک آمد –البته باید بر او مستقر هم شده باشد و الا صرف آنکه خیلی عسر و حرج دارد- چون طواف فریضه است، باطل است. خب چرا باطل باشد؟ میگویید نمیتوانم استصحاب عدم اتیان بکنم. «ان فرض الله لایؤدی الا بالیقین». باید تا آخر یقین داشته باشید. در همین مورد طواف، در روایت تعبیر «یبنی علی یقینه» را دارد. اما آن را در استصحاب نیاورده اند. تعجب است که در کتب اصولی آن را نیاورده اند. خوب است که ولو به‌عنوان بحث از روایت ذیل ادله استصحاب بیایید.

چهار مورد شد. دخول وقت، رکعتین اولتین، برای صوم و طواف. اگر موارد دیگری به ذهنتان آمد به ما بفرمایید. مرحوم صدوق الآن برای ما یک قاعده کلی فرمودند. «لان الفرائض لا تقبل الا بالیقین». باید با یقین ادا شوند.

شاگرد: در «الحدود تدرأ بالشبهات» هم میتوانیم بگوییم باید به‌صورت یقینی باشد تا حد جاری شود.

استاد: در قاعده «درء» به این خاطر است که چون مطلب مهم است یک عنایت خاصی روی آن هست. البته در آن جا فرض الله و فرض السنة نمیآید ولی اصل مقصود میآید. حالا هر مواردی شد ضمیمه کنید. در هر کدام لسان دلیل مهم است.

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 13:28:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 13:39:31 توسط ... .